



-  ۰۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)
۰۱۴ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)
-  شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصردهشت / کوچه ۱
-  www.fazel.ac.ir
-  [fazelshiraz](https://www.instagram.com/fazelshiraz)

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

اصول فقه

دکتر گلستان رو

فصل اول: تعارض ادله

۱- کدام گزینه درباره تعارض ادله درست نیست؟

- ۱) دو یا چند دلیل که همگی حجت هستند و هیچ یک قطعی نیست و مدلول آنها تنافی دارند، متعارض هستند.
- ۲) تعارض ظاهری یا غیرمستقر درجایی است که امکان جمع عرفی یا دلالتی دارد یعنی جمع طبق مستندات لفظی که الزامی است.
- ۳) در تعارض واقعی امکان جمع عرفی نیست و اگر وجه ترجیحی نباشد، عقلا و قانوناً تساقط و شرعاً تخییر ظاهری.
- ۴) در تعارض واقعی اگر مرجح صدوری، مضمونی یا جهتی باشد، می توان حکم به تساقط داد.

۲- اگر یک نفر اقرار کند که سارق است و نفر دیگر اقرار [۴۲۲۷۱۰۰۰] کند که او سارق است. این حالت مصداق:

- ۱) تخصص (۲) ورود (۳) تعارض واقعی (۴) حکومت

۳- در کدام گزینه مرجح مضمونی وجود دارد؟

- ۱) در تعارض دو سند یکی رسمی و دیگری عادی است.
- ۲) در تعارض دو قرارداد یکی دارای احتمال اکراه است و دیگری چنین احتمالی ندارد.
- ۳) در تعارض دو خبر واحد راویان یکی عادل تر هستند.
- ۴) در تعارض شهود، یک دسته شهادتشان با جزئیات حادثه همخوانی بیشتری دارد.

۴- کدام گزینه مصداق ورود است؟

- ۱) « اکراه موجب عدم نفوذ معامله است » در ماده دیگر معامله با شرایط اهلیت، معتبر دانسته شده است، خروج ماده دوم از ماده اکراه
- ۲) « شخص حقوقی اگر طبق قانون مسؤول شناخته شود، محکوم می شود. » در تبصره می گوید: « مجازات موضوع این ماده درمورد اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود. »
- ۳) « در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد، ... در صورتی که دادگاه به خلاف واقع بودن شهادت علم پیدا کند، شهادت معتبر نیست. » تقدم علم قاضی بر شهادت
- ۴) « هرکس پیامبر (ص) و یا هر یک از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، سب النبی است و به اعدام محکوم می شود. » طبق ماده دیگر « هرگاه متهم به سب ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا ... سب النبی محسوب نمی شود. »

۵- کدام گزینه مصداق تزاحم است؟

- ۱) « هر رفتاری که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم است. » « رفتار موجب هتک حرمت روحانیت جرم است »
- ۲) ربا جرم و موجب مجازات است. « ربا بین زن و شوهر نیست »
- ۳) هرگاه شخصی اولاد و ابوبین فقیری دارد باید مخارج هر دو را بپردازد اما شخصی فقط توانایی پرداخت نفقه یکی را دارد.
- ۴) شهادت شرط هیچ عقدی نیست، مگر طلاق

۶- در خصوص جمع تبرعی و جمع عرفی، کدام مورد صحیح است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) جمع تبرعی، مربوط به ادله ناظر به بیان غیر الزامی است؛ اما جمع عرفی مربوط به ادله ناظر به بیان احکام الزامی است.
- ۲) جمع تبرعی، مربوط به تعارض دو دلیلی است که دلالت آنها در حد ظهور است؛ اما جمع عرفی مربوط به تعارض دو نص است.
- ۳) جمع تبرعی، جمعی دلخواهی است که شاهدهی از لفظ آن بر گواهی نمی دهد؛ اما جمع عرفی جمعی است که میان دو یا چند دلیل متعارض با تکیه بر شواهد لفظی موجود در ادله صورت می گیرد.
- ۴) جمع تبرعی، صرفاً با لحاظ مناسبت حکم و موضوع صورت می گیرد؛ اما در جمع عرفی تأکید بر معیارهای عرفی خارج از حدود دلالتهای لفظی است.

۷- پس از وقوع بیع، ثابت می شود که معامله ناشی از اکراه بوده است، ادله اکراه بر ادله لزوم عقد بیع، به

چه دلیلی مقدم است؟

- ۱) حکومت (۲) تخصیص (۳) تخصص (۴) ورود

۸- در فرض تزاحم دو یا چند حکم، معیار ترجیح کدام است؟

- ۱) تقدم زمان صدور حکم
- ۲) تخییر به طور مطلق
- ۳) اهمیت حکم
- ۴) نزدیکی بودن حکم به واقعیت

۹- کدام گزینه مصداق تعارض مستقر است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) ورود (۲) حکومت (۳) تخصیص (۴) تعارض دو اقرار

۱۰- تفاوت باب تعارض و تزامم، در کدام مورد است؟

- ۱) در تعارض، دلالت دلیل، مجمل است، ولی در باب تزامم، دو حکم که ضرورتاً یکی اهم و دیگری مهم است، با هم تزامم می نمایند.
- ۲) در تعارض، ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل است؛ ولی در تزامم، مشکل در ناحیه اجرا و امتثال حکم است.
- ۳) در باب تعارض، دو دلیل مطلقاً حتی در صورت ترجیح یکی بر دیگری، از اعتبار ساقط می شوند؛ ولی در تزامم، همواره تکلیف اهم مقدم می شود.
- ۴) در باب تزامم، معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقلی و بدیهی است، ولی در باب تعارض، معیارهای ترجیح، مبهم و اختلافی است.

۱۱- در کدام مورد، تعارض حتی از نوع غیر مستقر آن نیز وجود ندارد؟

- ۱) یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی و دیگری ظنی باشد.
- ۲) بین دو دلیل، نسبت عام و خاص برقرار باشد.
- ۳) بین دو دلیل، نسبت مطلق و مقید برقرار باشد.
- ۴) یکی از دو دلیل، حاکم یا وارد بر دلیل دیگر باشد.

۱۲- در خصوص جمع دلالی (عرفی) و تَبْرَعی، کدام مورد صحیح است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) جمع تَبْرَعی و عرفی، به یک معنی هستند.
- ۲) جمع تَبْرَعی، مربوط به احکام غیر الزامی و جمع عرفی، مربوط به احکام الزامی است.
- ۳) کاربرد جمع تَبْرَعی، در احکام مدنی و کاربرد جمع دلالی، در احکام کیفری است.
- ۴) جمع عرفی بر خلاف جمع تَبْرَعی، بر پایه شاهد و قرینه لفظی صورت می گیرد.

۱۳- دو نسخه متعارض از یک قرارداد، درباره تعهد معینی وجود دارد. یکی از قراردادها دلالت روشنی بر موضوع تعهد دارد، اما شائبه اکراهی بودن آن هم در میان است. قرارداد دیگر، فاقد شائبه اکراهی بودن است، اما دلالت آن بر موضوع تعهد، مبهم می باشد. کدام مورد زیر در خصوص این دو قرارداد، صحیح است؟

- ۱) هر دو قرارداد، مرجح جهت صدور را دارند، ولی یکی از آنها دارای مرجح دلالی نیز هست.
- ۲) هر دو قرارداد، دارای مرجح مضمونی و جهت صدور یکسان هستند.
- ۳) یکی از قراردادها، دارای مرجح مضمونی و دیگری، دارای مرجح سندی است.
- ۴) یکی از قراردادها، دارای مرجح جهت صدور و دیگری، دارای مرجح دلالی است.

۱۴- کدام مورد در خصوص فرضی که کسی از پرداخت نفقه دو فرد واجب النفقه خود ناتوان باشد و تنها توان پرداخت نفقه یکی از آنها را دارد، صحیح است؟

- ۱) مصداق تزامم است و مکلف در پرداخت نفقه به هر یک از آنها، مطلقاً مخیر است.
- ۲) مصداق اجتماع امر و نهی است و باید جانب نهی را مقدم نمود.
- ۳) مصداق تزامم است و در فرض اهم بودن یکی از دو تکلیف، باید به تکلیف اهم عمل شود.
- ۴) مصداق تعارض دو حکم است و باید به حکمی که دلیل آن اظهر است، عمل نمود.

۱۵- مقتضای قاعده در مورد دو دلیل متعارض، کدام مورد است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) هر دو دلیل از درجه اعتبار ساقط می شوند، اگر یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشد.
- ۲) هر دو شرعاً از درجه اعتبار خارجند؛ اما به حکم عقل، مکلف، در عمل به هر یک از آنها مخیر است.
- ۳) مکلف، در عمل به هر یک از آنها مطلقاً مخیر است.
- ۴) مکلف، در عمل به هر یک از آنها مخیر است، اگر احتیاط ممکن نباشد.

۱۶- در تعارض، مقصود از ترجیح به «احدثیت»، کدام مورد است؟

- ۱) در فرض تعارض، حکم شرعی یا قانونی که متضمن نوآوری و ابتکار عرفی باشد، مقدم است.
- ۲) در فرض تعارض دو حکم شرعی یا قانونی، حکم شرعی مؤخر یا قانون مؤخر، مقدم خواهد شد.
- ۳) در دو واقعه حقوقی، همواره ابتدا واقعه جدیدتر باید رسیدگی و حل و فصل شود.
- ۴) برای حل تعارض، همواره باید حکمی را که منشأ حدوث حکم دیگر است، ملاک قرار داد.

۱۷- اگر فردی بداند که به آقای الف مدیون است اما مبلغ بدهی خود را فراموش کرده و مبلغ دین، مرگد بین سه میلیون تومان یا پنج میلیون تومان باشد در این صورت:

- ۱) با استناد به اصل برائت ذمه از دین، حکم به پرداخت مبلغ اقل می شود و خلاف آن هم بعداً قابل اثبات نیست.
- ۲) با استناد به اصل برائت ذمه از دین، حکم به پرداخت مبلغ اقل می شود مگر اینکه بعداً خلاف آن ثابت شود.
- ۳) مکلف با استناد به اصل احتیاط، موظف به پرداخت مبلغ اکثر است.
- ۴) مکلف با استناد به اصل تخییر، می تواند مبلغ ۳ یا ۵ میلیون تومان را بپردازد.

۱۸- تخییر مکلف در باب تزاحم احکامی که یکی بر دیگری ترجیحی ندارند چه [۴۲۲۷۱۰۰۰] نوع حکمی است؟

- ۱) حکم واقعی عقلی
- ۲) حکم ظاهری عقلی
- ۳) حکم واقعی شرعی
- ۴) حکم ظاهری شرعی

۱۹- تخییر در "واجب تخییری"، "اصل تخییر ر" و «باب تزاحم» و «تعارض دو خبر واحد» به ترتیب بیانگر کدام حکم است؟

- ۱) ظاهری / واقعی / ظاهری / واقعی
- ۲) واقعی / ظاهری / ظاهری / ظاهری
- ۳) ظاهری / ظاهری / واقعی / واقعی
- ۴) واقعی / واقعی / ظاهری / ظاهری

۲۰- در موردی که پدر فردی فوت کند و پسر کافرش مسلمان شود:

- ۱) اگر فوت پدر (مورث)، مجهول التاريخ باشد و مسلمان شدن پسر، معلوم التاريخ باشد پسر از پدر ارث می برد.
- ۲) اگر مسلمان شدن پسر، مجهول التاريخ بوده و فوت مورث (پدر)، معلوم التاريخ باشد پسر از پدر ارث نمی برد.
- ۳) اگر فوت مورث (پدر) معلوم التاريخ بوده و مسلمان شدن وارث (پسر) مجهول التاريخ باشد پسر از پدر ارث می برد.
- ۴) گزینه او

۲۱- ماده ۲۰۳ ق.م بیان می دارد: «اکراه، موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود». اما بر اساس ماده ۲۰۷ ق.م: «ملزم شدن شخص به انشاء معامله به حکم مقامات صالحه قانونی، اکراه محسوب نمی شود». کدامیک از گزینه های زیر در خصوص رابطه این دو ماده صحیح است؟

- ۱) ماده ۲۰۷ وارد بر ماده ۲۰۳ است.
- ۲) ماده ۲۰۷، مخصّص ماده ۲۰۳ است.
- ۳) ماده ۲۰۷، حاکم بر ماده ۲۰۳ است.
- ۴) ماده ۲۰۷ تخصصاً از ماده ۲۰۳ خارج است.

۲۲- ماده ۳۰ قانون مدنی می گوید: [۴۲۲۷۱۰۰۰] هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد.... ماده ۱۳۲ ق.م می گوید: کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد". نسبت بین این دو ماده چیست؟

- ۱) تخصّص
- ۲) تخصیص
- ۳) حکومت
- ۴) ورود

۲۳- در کدامیک از تعارض های زیر، تقدم یک دلیل بر دیگری از باب ورود نیست؟

- ۱) تعارض قاعده قرعه با اصل استصحاب
- ۲) تعارض استصحاب با اماره ها
- ۳) تعارض استصحاب سببی با استصحاب مسبّی
- ۴) تعارض قاعده لاضرر با قاعده تسلیط

۲۴- در کدامیک از موارد زیر، ورود رخ نداده است؟

- ۱) تعارض استصحاب با قاعده صحت
- ۲) تعارض ادله اجتهادی با ادله فقهاتی
- ۳) تعارض قاعده نفی عسر و حرج با ادله احکام اولیه
- ۴) تعارض استصحاب با اصل برائت

۲۵- اگر دلیلی موجب توسعه یا تضییق موضوع یا [۴۲۲۷۱۰۰۰] حکم دلیل دیگر به صورت تعبدی شود این حالت را می گویند.

- ۱) حکومت
- ۲) تخصیص
- ۳) تخصّص
- ۴) ورود



۲۶- ترجیح دلیل اجتهادی بر دو اصل «تخییر عقلی» و «برائت شرعی» به ترتیب از چه بابی است؟

- ۱) حکومت / حکومت
۲) ورود / ورود
۳) تخصص / حکومت
۴) ورود / حکومت

۲۷- ماده ۹۵۶ ق.م مقرر می دارد: «اهلیت برای دار بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان، شروع و با مرگ او تمام می شود». اما با توجه به مواد ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ ق.م و نیز ماده ۱۵۷ ق.ا.ح باید موت فرضی را که توسط حکم دادگاه اعلام می شود در حکم موت حقیقی محسوب و موجب پایان اهلیت دانست. این وضعیت، مصداق کدام گزینه است؟

- ۱) ورود
۲) تخصیص
۳) تخصص
۴) حکومت

۲۸- در کدام مورد، خروج موضوعی است نه حکمی؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) حکومت و تخصیص
۲) تخصص و ورود
۳) فقط تخصص
۴) فقط ورود

۲۹- کدامیک از شرایط تحقق تعارض ادله نیست؟

- ۱) تعدد ادله متعارض
۲) دارا بودن شرایط حجیت
۳) قطعی بودن یکی از ادله متعارض
۴) وجود تنافی در مدلول دو دلیل

۳۰- در تعارض دو دلیل ، چه زمان به قاعده عقلی «الدلیلان اذا تعارضا تساقطا» مراجعه می کنیم ؟

- ۱) در تعارض واقعی دو دلیل
۲) در تعارض ظاهری دو دلیل
۳) در تعارض واقعی دو دلیل ، آنجا که حالت تعادل (تکافؤ) بین ادله متعارض باشد در تمام موارد
۴) در تعارض واقعی دو دلیل ، آنجا که حالت تعادل (تکافؤ) بین ادله متعارض باشد در تعارض های قانونی و فقهی بجز تعارض روایات

۳۱- کدامیک از موارد زیر از جمله مرجحات باب تراحم است؟

- ۱) مقدم شدن تکلیف فوری و مضیق بر واجب موسع
۲) مقدم شدن تکلیف اهم بر مهم
۳) مقدم شدن حکم فاقد بدل و نیز مقدم شدن تکلیفی که از نظر زمانی مقدم است.
۴) همه موارد

۳۲- اگر دو شاهد عادل، شهادت دهند که فرشی که در تصرف علی است از آن احمد است و تصرف علی در آن غیرقانونی و نامشروع است؛ در این صورت: [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) اماره ید بر شهادت مقدم است.
۲) شهادت بر اماره ید مقدم است.
۳) شهادت و اماره ید هر دو تساقط می کنند و با مراجعه به قواعد کلی و نهایتاً اصول عملیه باید قضیه را حل نمود.
۴) شهادت و اماره ید هر دو تساقط می کنند و با استناد به اصل استصحاب همچنان علی را متصرف فرش می دانیم.

۳۳- ماده ۱۵۷ ق.م می گوید: ((هرگاه دو زمین در ۲ طرف نهر ، محاذی هم واقع شوند و حق تقدّم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر ۲ در ۱ زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر ۲ نباشد باید برای تقدّم وتأخر در بردن آب ، به نسبت حصه قرعه زده (...)) ماده ۱۵۸ همین قانون می گوید: ((هر گاه تاریخ احیاء اراضی اطراف رودخانه مختلف باشد زمینی که احیاء آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم می شود بر زمین متأخر، اگر چه پائین تر از آن باشد)) . رابطه این ۲ ماده با یکدیگر ، ... است

- ۱) ورود
۲) حکومت
۳) تخصیص
۴) تخصص

۳۴- ماده ۱۰۴۵ ق.م می گوید: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است...» و ماده ۱۰۴۶ همین قانون بیان می دارد: «قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح، در حکم قرابت [۴۲۲۷۱۰۰۰] نسبی است...». در خصوص رابطه مواد فوق الذکر با هم کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) ماده ۱۰۴۶، وارد بر ماده ۱۰۴۵ ق.م است.
۲) ماده ۱۰۴۶، مخصّص ماده ۱۰۴۵ ق.م است.
۳) ماده ۱۰۴۶، حاکم بر ماده ۱۰۴۵ ق.م است.
۴) ماده ۱۰۴۶، مقیّد ماده ۱۰۴۵ ق.م است.



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصردشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir



fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

پاسخنامه

- ۱- گزینه ۴ صحیح است. در صورت وجود مرجع، به دلیل ترجیح به آن عمل می شود و نمی توان حکم به تساقط داد.
- ۲- گزینه ۳ صحیح است. زیرا بین دو دلیل امکان جمع نیست و سایر گزینه ها مصداق تعارض ظاهری یا غیرمستقر هستند که امکان جمع ادله وجود دارد.
- ۳- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱ سند رسمی و در گزینه ۳ مرجع سندی یا صدور دارد. گزینه ۲ قرارداد فاقد اکره دارای مرجع جهت صدور است.
- ۴- گزینه ۳ صحیح است. تقدم دلیل قوی تر بر ضعیف تر ورود است. گزینه ۱ و ۴ حکومت است زیرا ترجیح ادله ثانویه بر اولیه است. گزینه ۲ نیز تبصره نقش مقید دارد. گزینه ۲ تخصیص است.
- ۵- گزینه ۳ صحیح است. زیرا در مقام امتثال و اجرا نمی تواند نفقه هر دو را بپردازد. گزینه ۱ و ۳ هر دو حکومت هستند زیرا هتک حرمت جرم نیست اما به عنوان جرم فرض شده و ربا بین زن و شوهر واقعا ربا است اما فرض شده که ربا نیست. گزینه ۴ نیز تخصص است زیرا طلاق واقعا عقد نیست و خودبخود و واقعا خارج است.
- ۶- گزینه ۳ صحیح است. منظور از قاعده «الجمع مهما أمکن أولى من الطرح» جمع عرفی و به تعبیر دیگر جمع مقبول است یعنی جمعی که مورد پسند عرف یا مستند به شواهد و قرائن کافی باشد. اما اگر چنین نباشد جمع ادله، جمع تبرعی بوده که معتبر نیست.
- ۷- گزینه ۱ «صحیح است». تقدم احکام ثانویه بر اولیه از باب حکومت است زیرا قلمرو احکام اولیه را افزایش یا کاهش می دهد و اکره جزء احکام ثانویه است. حکومت: تصرف یکی از دو دلیل (دلیل حاکم) در موضوع یا محمول دلیل دیگر (دلیل محکوم) به صورت توسعه یا تضییق.
- ۸- گزینه ۳ صحیح است. در باب تزامم دو یا چند حکم، مرجحاتی وجود دارند که موجب ترجیح یک حکم بر حکم دیگر می شوند و یکی از این مرجحات، مقدم شدن تکلیف اهم بر مهم است که خود، مصادیقی دارد. این مورد، همان اهمیت حکم است که در گزینه ۳ آمده است. برای شناخت مرجحات باب تزامم به صفحات ۳۴۰ تا ۳۴۲ کتاب اصول فقه مؤسسه فاضل نمایید.
- ۹- گزینه ۴ «صحیح است». تعارض یعنی تنافی و ناسازگاری مدلول و معنای دو یا چند دلیل، به گونه تناقض یا تضاد، مانند تعارض امارات و اصول عملیه. تعارض دو نوع است: الف) تعارض مستقر یا واقعی در صورتی است که بین مدلول و معنای دو دلیل چنان تنافی و ناسازگاری وجود داشته باشد که نتوان این تنافی را برطرف کرد. ب) تعارض ظاهری یا غیرمستقر در مواردی است که در نگاه اولیه تعارض دارند اما می توان بین آن ها سازگاری برقرار نمود با قواعدی مانند تخصیص، تقیید، حکومت و ورود. از شرایط تعارض عبارت اند از: ۱. تعدد ادله متعارض. ۲. دارا بودن شرایط حجیت. ۳. قطعی نبودن هیچ یک از دو دلیل چون اگر یک دلیل قطعی باشد دلیل دیگر نمی تواند با آن در تعارض باشد. تعارض عام و خاص و مطلق و مقید و حکومت و ورود همگی جزء تعارض ظاهری یا غیرمستقر هستند.
- ۱۰- گزینه ۲ صحیح است. تعارض به برخورد و تنافی و ناسازگاری بین مدلول دو یا چند دلیل (و به تعبیر برخی ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل) در مرحله جعل و انشاء و قانونگذاری و تشریح (وضع و انشاء) گفته می شود اما تزامم به برخورد احکام در مرحله اجرا و امتثال به دلیل ناتوانی مکلف از اجرای توأمان احکام گفته می شود. گزینه ۳ به این دلیل نادرست است که در حالت تعارض مستقر دو دلیل اگر یکی از دلایل به سبب مرجحی بر دیگری ترجیح داشت آن دلیل را باید بر دیگری ترجیح داد و در حالت فقدان ترجیح که آن را تعادل یا تکافو ادله متعارض می گویند اگر تعارض بین روایات بود به قاعده ثانویه شرعی که بیانگر تخییر است مراجعه می کنیم و اگر سایر تعارض ها بود به قاعده اولیه عقلی که به طور مطلق قاعده هم گفته می شود و بیانگر تساقط ادله متعارض است مراجعه می کنیم و در تزامم هم ابتدا به مرجحات باب تزامم مراجعه می کنیم و در صورت فقدان مرجحات، به راهکار تخییر که یک حکم واقعی عقلی است مراجعه می کنیم. مرجحات باب تزامم فقط تقدم اهم بر مهم نبوده و موارد دیگری نیز است فلذا گزینه ۱ نادرست است. همچنین دلیل دیگر بر نادرستی گزینه ۱، بیان ویژگی ناصحیح تعارض (یعنی مجمل بودن دلالت دلیل) است. گزینه ۴ هم ناصحیح است چون تنها معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقل نیست و دستورات شارع و قانونگذار نیز است.
- ۱۱- گزینه ۱ صحیح است. تعارض ادله بین دو دلیل قطعی یا یک دلیل قطعی و یک دلیل غیرقطعی (اعم از دلیل ظنی و اماره یا اصول عملیه) واقع نخواهد شد. در واقع یکی از شرایط تعارض، عدم قطعیت هر دو دلیل می باشد. در حالات بیان شده در گزینه های ۲، ۳ و ۴ تعارض غیر مستقر یا بدوی یا ابتدایی یا ظاهری وجود دارد.
- ۱۲- گزینه ۴ صحیح است. در حالت تعارض غیر مستقر یا بدوی یا ابتدایی یا ظاهری ادله، راهکار حل تعارض، مراجعه به قاعده جمع عرفی (جمع مقبول) می باشد. قاعده جمع عرفی (الجمع مهما أمکن أولى من الطرح) یعنی جمعی که مورد پسند عرف یا مستند به شواهد و قرائن کافی باشد و به تعبیری بر پایه شاهد و قرینه لفظی صورت می گیرد بر خلاف جمع تبرعی ادله که جمع دلخواهی است که شاهی از لفظ بر آن گواهی نمی دهد و معتبر نمی باشد.
- ۱۳- گزینه ۴ صحیح است. در این جا تعاریفی از مرجح جهتی و مرجح مضمونی از کتاب اصول فقه کاربردی (ج ۳) نوشته استادان قافی و شریعتی نقل می کنیم:
- مرجح جهتی: مرجحاتی که ترجیح دهنده جهت صدور روایت است. منظور از «جهت صدور» تشخیص این امر است که آیا روایت برای بیان حکم واقعی از سوی امام (ع) صادر شده یا به سبب مصالح و جهات مهم تری که مد نظر امام معصوم (ع) بوده، روایت بیان کننده حکمی غیر از حکم واقعی است. برای مثال، امام (ع) به جهت رعایت تقیه و برای حفظ جان خود یا حفظ جان شیعیان و راویان، حکمی خلاف واقع بیان فرموده است. به عقیده شیخ انصاری، «مخالفت عامه» یک مرجح جهتی است؛ زیرا هنگامی که یک روایت مخالف عامه باشد، این احتمال در ذهن تقویت می شود که در صدور روایت مزبور هیچ گونه تقیه در کار نبوده و روایت در صدد بیان حکم واقعی است.

مرجح مضمونی: مرجحاتی که ناظر به مطابقت مضمون روایت با واقع و نزدیک تر بودن به حکم واقعی است، مرجح مضمونی نامیده می شود. مانند ترجیح به «موافقت کتاب»؛ زیرا اگر روایتی موافق کتاب و روایت دیگری مخالف کتاب باشد، موافقت با کتاب این احتمال را در ذهن تقویت می کند که روایت مورد نظر با واقع منطبق تر و به آن نزدیک تر است.

نام دیگر مرجح مضمونی، مرجح دلالی است.

در فرض سوال ۷۷، قرارداد اول که شائبه اکراهی بودن آن در میان است به قیاس با تعریف مرجح جهتی، دارای مرجح جهت صدوری است اما قرارداد دوم که فاقد چنین شائبه ای است اما دلالت آن بر موضوع تعهد مبهم است به قیاس با تعریف مرجح مضمونی، دارای مرجح دلالی است.

۱۴- **گزینه ۳ صحیح است.** چنین فردی در واقع با دو تکلیف روبرو شده که با هم تعارض ندارند یعنی در مرحله تشریح و قانونگذاری، مشکلی ندارند، اما در مقام امتثال و اجرا امکان عمل به هر دو را ندارد که مصداق تزام است و در باب تزام، اگر یکی اهم باشد به همان عمل می شود یعنی طبق مرجحات باب تزام عمل می شود مانند کسی که توان پرداخت نفقه پدر و زوجه را ندارد، نفقه زوجه اهم است و اگر هر دو مساوی باشند مانند نفقه پدر و مادر و توان پرداخت هر دو را ندارد، تخییر عقلی واقعی جاری می شود.

۱۵- **گزینه ۱ صحیح است.** هرگاه دو دلیل با هم متعارض باشند، ابتدا به این نکته توجه می شود؛ اگر یکی وجه ترجیحی داشته باشد بر دیگری مقدم می شود و به آنها متراجحین یا متفاضلین گفته می شود؛ اما اگر هیچ وجه ترجیحی نباشد طبق عقل و قانون، هر دو تساقط می کنند و به آنها متعادلین یا متکافئین گفته می شود.

۱۶- **گزینه ۲ صحیح است.** هرگاه دو حکم با هم تعارض دارند، ابتدا باید به این مسئله توجه شود که اگر یکی از دو حکم بر دیگری ترجیح داشته باشد، باید به همان عمل نمود یعنی طبق «مرجحات باب تعارض» مرجح یعنی «وجه ترجیح» که این وجه ترجیحها اگر در روایاتی که به آنها اخبار علاجیه گفته می شود، بیان شده باشند، به آنها مرجحات منصوصه می گویند. (اخبار علاجیه، مجموعه روایاتی است که درباره رفع تعارض هستند.) مرجحات منصوصه عبارتند از: ۱. صفات راوی یعنی ترجیح روایتی که راوی آن عادل تر، فقیه تر، صادق تر و با تقواتر است، (ترجیح عدل، افقه، اصدق، اورع) ۲. شهرت یعنی ترجیح روایتی که شهرت عملی دارد و توسط مشهور فقها به عنوان مستند حکم به کار رفته است. ۳. موافقت کتاب، یعنی ترجیح روایتی که با مضمون آیات قرآن موافق است بر روایتی که مضمون آن خلاف مضامین قرآن است. ۴. مخالفت با عامه نیز به عنوان یکی از مرجحات بیان شده یعنی حکم روایت مخالف دیدگاه اهل سنت باشد بر روایتی که موافق اهل سنت است، ترجیح دارد. چون در مخالف عامه تقیه نیست و بیانگر حقیقت است و منظور از عامه آن دسته از اهل سنت است که در اجتهاد به قیاس و رأی عمل می کنند. برخی از فقهای معاصر تنها همین دو وجه ترجیح یعنی موافقت قرآن و مخالفت با عامه را قبول دارند. ۵. ترجیح به أحدثیت یعنی دو روایت متعارض که از نظر زمان صدور با هم فرق دارند، روایتی که جدیدتر است و تاریخ آن مؤخر است، مقدم است.

۱۷- **گزینه ۲ صحیح است.** ر.ک به صفحه ۱۸۴ کتاب اصول فقه کاربردی ج ۳، نوشته سعید قافی و حسین شریعتی و مبحث اصل برائت از کتاب اصول فقه فاضل نوشته حوریا سجادی و سیدمحمدباقر حسینی. اگر خلاف حکم یا موضوع ثابت شده به وسیله امارات یا اصول عملیه، در آینده ثابت شد (اعم از اینکه به طور یقینی یا ظنی با ظن معتبر، خلاف مفاد اماره یا اصل عملی ثابت شود) آنچه براساس اماره یا اصل عملی انجام شده کفایت نمی کند (عدم اجزا) مگر در مورد احکامی که با حجت شرعی دیگر، خلافت کشف شود که در این صورت آنچه انجام شده کفایت می کند (اجزا).

۱۸- **گزینه ۱ صحیح است.**

۱۹- **گزینه ۴ صحیح است.** در واجب تخییری و باب تزام هر کدام انجام شود درست است و واقعی اما در اصل تخییر و تخییر دو جز واحد مشخص نیست کدام یک درست است.

۲۰- **گزینه ۴ صحیح است.** اگر وقوع دو حادثه مسلم باشد ولی زمان وقوع یکی از دو حادثه، مجهول و دیگری معلوم باشد در جانب حادثه مجهول تاریخ، اصل تأخر حادث (استصحاب عدم حدوث حادث) را می توان اجرا کرد و نتیجه آن این است که حادثه مجهول تاریخ تا زمان حدوث واقعه معلوم تاریخ، اتفاق نیفتاده است و مطابق نظر مشهور فقها می توان موخر بودن حادثه مجهول تاریخ از حادثه معلوم تاریخ را نتیجه گرفت.

۲۱- **گزینه ۳ صحیح است.** زیرا ماده ۲۰۷، دامنه موضوع ماده ۲۰۳ را به صورت تعبدی و تنزیلی و ادعایی (نه حقیقی و وجدانی و تکوینی) محدود می کند. لذا ماده ۲۰۷ بر ماده ۲۰۳ حاکم بوده و حکومت از نوع تضییق موضوع به نحو تعبدی تحقق یافته است.

۲۲- **گزینه ۳ صحیح است.** زیرا ماده ۱۳۲ ق. م که بیان کننده قاعده لاضرر است حکم جواز تصرف مالک در ماده ۳۰ ق. م (که بیان کننده قاعده تسلیط است) را محدود می کند که این حالت را حکومت می نامیم. این قسم از حکومت، شبیه تخصیص است و تفاوتش با تخصیص در آن است که در تخصیص، برخورد غیر مستقیم بین حکم عام و حکم خاص وجود دارد ولی در این قسم از حکومت، برخورد غیر مستقیم بین حکم دلیل حاکم (ماده ۱۳۲) و حکم دلیل محکوم (ماده ۳۰) وجود دارد و با فکر و تأمل، این برخورد قابل تشخیص است نه به آشکاری مانند تخصیص.

۲۳- **گزینه ۴ صحیح است.** در تعارض قاعده لاضرر با قاعده تسلیط، قاعده لاضرر حاکم و مقدم شده و تقدمش از باب حکومت است اما در تعارض قاعده قرعه با استصحاب، اصل استصحاب ورود دارد و وارد بر قاعده قرعه است، اما برخی تخصیص می دانند. در تعارض استصحاب با اماره ها، اماره ها بر استصحاب ورود دارند و در تعارض استصحاب سببی با استصحاب مسببی، استصحاب سببی بر استصحاب مسببی، ورود دارد.

۲۴- **گزینه ۳ صحیح است.** در گزینه های ۱ و ۲ و ۴ ورود رخ داده است به این صورت که اماره صحت بر اصل عملی استصحاب، ادله اجتهادی قوی تر هستند و بر ادله فقهاتی ورود دارند و اصل عملی استصحاب بر اصل برائت ورود دارند. اما قاعده نفی عسر و حرج و



- به طور کلی ادله مربوط به عناوین ثانوی بر ادله احکام اولیه حکومت دارند. برای شناخت بیشتر ورود و حکومت ر.ک به صفحات ۳۵۰ تا ۳۵۵ کتاب اصول فقه موسسه فاضل.
- ۲۵- گزینه ۱ صحیح است .
- ۲۶- گزینه ۲ صحیح است. البته برخی معتقدند: دلیل اجتهادی اعم از دلیل قطعی و دلیل ظنی بر اصول عملیه عقلیه، ورود دارند. دلیل اجتهادی اعم از دلیل قطعی و دلیل ظنی بر اصول عملیه شرعیه، حکومت دارند. همچنین استصحاب بر اصول عملیه شرعیه حکومت دارد و استصحاب بر اصول عملیه عقلیه ورود دارد.
- البته اگر در آزمون به صورت مطلق سوال آمد می گوئیم دلیل اجتهادی بر اصول عملیه ورود دارد. و استصحاب بر اصول عملیه ورود دارد.
- ۲۷- گزینه ۴ صحیح است. حکومت عبارت است از: «تصرف یکی از دو دلیل (دلیل حاکم) در موضوع یا محمول دلیل دیگر (دلیل محکوم) به صورت توسعه یا تضییق». حکومت به ۴ حالت است: یا به نحو توسعه موضوع دلیل محکوم توسط دلیل حاکم یا به نحو تضییق موضوع دلیل محکوم توسط دلیل حاکم یا به نحو توسعه محمول (حکم) دلیل محکوم توسط دلیل حاکم و یا به نحو تضییق محمول (حکم) دلیل محکوم توسط دلیل حاکم است. فرض مسأله در رابطه با قسم اول از ۴ حالت فوق است.
- ۲۸- گزینه ۲ صحیح است.
- ۲۹- گزینه ۳ صحیح است. شرایط تحقق تعارض ادله عبارت است از: تعدد ادله متعارض، دارا بودن شرایط حجیت، قطعی نبودن هیچ یک از دو دلیل و وجود تنافی در مدلول دو دلیل. در مورد شرط سوم توضیحی لازم است: دو دلیل متعارض نمی توانند هر دو قطعی باشند زیرا قطع پیدا کردن به دو امر متنافی، محال است. همچنین اگر یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی باشد نباید از تعارض سخن گفت و دلیل قطعی با دلیل غیر قطعی (کاذب) نمی تواند تعارض کند.
- ۳۰- گزینه ۴ صحیح است. در حالت تعارض واقعی ادله ، در حالت تراجیح ، دلیلی که مرجح دارد ترجیح می یابد و در حالت تعادل (تکافؤ) ، قاعده اولیه عقلی آن است که هر دو دلیل از اعتبار ساقط می شوند (الدلیلان اذا تعارضا تساقطا) و قاعده ثانویه شرعی آن است که به اصل تخییر مراجعه کنیم . قاعده اولیه عقلی در تمام تعارض ها بجز تعارض روایات اعمال می شود و قاعده ثانویه شرعی در تعارض روایات اعمال می شود .
- ۳۱- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به صفحات ۱۴۳ تا ۱۴۷ جلد سوم از کتاب اصول فقه کاربردی نوشته استادان حسین قافی و دکتر سعید شریعتی فرانی و نیز ر.ک به صفحات ۳۵۶ تا ۳۵۸ کتاب اصول فقه موسسه آموزش عالی فاضل.
- ۳۲- گزینه ۲ صحیح است. در تعارض اماره ید با شهادت در زمینه مالکیت فعلی، شهادت مقدم است و در تعارض اماره ید بر مالکیت فعلی با شهادت بر مالکیت سابق، اماره ید مقدم است.
- ۳۳- گزینه ۱ صحیح است. زیرا ماده ۱۵۸ ق.م. ، موضوع ماده ۱۵۷ ق.م. (محرز نبودن حق تقدم یکی بر دیگری) را حقیقتاً از بین می برد و چون این از بین بردن موضوع بر اساس یک دستور قانونی بوده ، آن را ورود می نامیم .ماده ۱۵۸ دلیل وارد و ماده ۱۵۷ دلیل مورد است . در مثالهای قانونی، ورود وقتی رخ می دهد که موضوع یک ماده ، باید زودتر و جلوتر از موضوع ماده دیگرنگریسته شود . حقوقدان در بررسی وقایع خارجی ابتدا می بایست ماده ۱۵۸ ق.م بنگرد و اگر موضوع ماده ۱۵۸ محقق نبودآنگاه بررسی کند که موضوع ماده ۱۵۷ ق.م رخ داده است یا نه .
- ۳۴- گزینه ۳ صحیح است. زیرا ماده ۱۰۴۶ ق.م به صورت تعدبی و تنزیلی و ادعایی (نه حقیقتی و وجدانی)، قلمرو موضوع ماده ۱۰۴۵ (اقرار نسبی) را توسعه داده است. در حکومت، دلیل حاکم، موضوع یا محمول (حکم) دلیل محکوم را توسعه یا تضییق می نماید. دلیل حاکم، ناظر و شارح و مفسر موضوع یا محمول (حکم) دلیل محکوم است. در حالی که در ورود، با آمدن یک دلیل، اساساً نوبت به طرح موضوع دلیل دیگر نمی رسد و دلیل وارد، موضوع دلیل مورد را به صورت واقعی و حقیقی البته با عنایت به تعدد شرعی و قانونی (دستور شرعی و قانونی) از بین می برد. در تخصیص، موضوع یک دلیل (موضوع مخصّص) از جمله موضوعات دلیل دیگر (از موضوعات عام مخصّص) است ولی حکم دو دلیل با هم متفاوت است. در تقیید هم که تعارض بین مطلق و مقید رخ داده، دلیل مطلق حمل بر مقید شده و باید از دلیل مطلق انصراف جسته و به دلیل مقید عمل می کنیم.
- ۳۵- گزینه ۱ صحیح است. زیرا ماده ۱۲۸۱ ق. م. ، موضوع ماده ۱۲۷۵ ق. م. (اقرار) را به صورت تعدبی توسعه داده است . یعنی در ماده ۱۲۸۱ ق. م. ، آنچه را که واقعا اقرار نبوده ، به حکم قانونی، اقرار قلمداد نموده است .
- ۳۶- گزینه ۱ صحیح است. زیرا مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان ، یک موضوع (قراردادهایی که برای انجام معامله با شرکت های خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می شود) از موضوع اصل ۷۷ ق. ا (قرارداد بین المللی) واقعا و از ابتدا و خود به خود خارج هستند این حالت و نسبت بین دو دلیل را تخصص می نامند .
- ۳۷- گزینه ۴ صحیح است. زیرا موضوع قاعده قرعه ، شبهات موضوعی است در جایی که هیچ اصل و دلیلی قابل جریان نباشد و وقتی اصل استصحاب قابل جریان باشد ، موضوع قاعده قرعه (فقدان راه حل شرعی و قانونی و عقلی) محقق نمی شود و اصل استصحاب ، جلوی تحقق موضوع قاعده قرعه را می گیرد. لذا استصحاب (دلیل وارد) بر قرعه (دلیل مورد) ورود دارد. طبق یک دیدگاه ادله استصحاب خاص و ادله قرعه عام است و از باب تخصیص مقدم است.
- ۳۸- گزینه ۱ صحیح است. به اتفاق نظر حقوقدانان، در این باره اماره قضایی بر اماره قانونی مقدم است و قاضی باید طبق اماره قضایی حکم کند. مثلاً شخصی در دادگاه ادعا می کند کیفی که در دست طرف مقابل است از آن او است و طرف مقابل، آن را برداشته است اما شهادی بر این مطلب ندارد. متصرف هم با استناد به اماره تصرف، خود را مالک کیف معرفی کند. حال اگر قاضی از هر دو نفر جداگانه درباره محتویات داخل کیف سوال کند و مدعی تمام جزئیات را دقیق و صحیح پاسخ دهد؛ اما متصرف (منکر) هیچ اطلاعی از جزئیات آن نداشته باشد و پاسخ اشتباه بدهد و شواهد دیگری هم وجود داشته باشد که این کیف ارتباطی با متصرف ندارد قاضی با توجه به این اوضاع و احوال، که اماره قضایی محسوب می شود یقین می کند که کیف، مال مدعی است نه متصرف. در این صورت، هر چند

اماره قانونی ید به نفع متصرف وجود دارد قاضی بر علیه او و به نفع مدعی حکم صادر می کند و اماره قضایی را بر اماره قانونی مقدم می دارد.

۳۹- **گزینه ۴ صحیح است.** گزینه ۱ مجاز به علاقه کل و جزء و دلالت تضمینی است. گزینه ۲ و ۳ دلالت لفظ بر کل معنا و مطابقی است. گزینه ۴ از اذن در فروش به فک رهن پی میبریم که خارج معنا است.

۴۰- **گزینه ۴ صحیح است.** گزینه ۱ دلالت تنبیه و ایما است زیرا گوینده سخنش را غیر مستقیم می گوید. گزینه ۲ تعریف دلالت اشاره است زیرا دلالت اقتضا و تنبیه و ایما مورد نظر گوینده هستند. گزینه ۳ از قیدی در جمله به شرط یا علت حکم پی می بریم که دلالت تنبیه و ایما است و گزینه ۴ جمله ناقص است و دلالت دارد که واژه «اعضا» در تقدیر است و دلالت جمله بر در تقدیر بودن یک چیز ناشی از دلالت اقتضا است.

۴۱- **گزینه ۴ صحیح است.** زیرا گزینه ۱ مفهوم شرط دارد و اگر بایع تدلیس نکرده باشد، مشتری حق خیار تدلیس ندارد. گزینه ۲ مفهوم مخالف وصف دارد و عملیاتی که فقط مقدمه جرم نبوده یا ارتباط مستقیم با وقوع جرم داشته باشد، شروع به جرم است. گزینه ۳ نیز مفهوم مخالف شرط دارد: در صورت گذشت نکردن همه وراثت تعقیب موقوف نمی گردد. گزینه ۴ مفهوم شرط ندارد زیرا شرط علت انحصاری نیست و اگر عسر و حرج نداشت باز هم میتواند تقاضای طلاق دهد.

۴۲- **گزینه ۴ صحیح است.** گزینه ۱ مفهوم مخالف حصر دارد به دلیل واژه «فقط» گزینه ۲ «امین» لقب است و مفهوم ندارد. گزینه ۴ نیز «اقرار» لقب است و فاقد مفهوم اما گزینه ۴ مفهوم مخالف وصف دارد زیرا رفتاری که برای آن مجازات تعیین نشده، جرم نیست.

۴۳- **گزینه ۴ صحیح است.** زیرا گزینه ۱ مفهوم استثنا است به دلیل واژه «مگر» که نشان می دهد مفهوم دارد و چیزی که مفهوم دارد، قید حکم است. گزینه ۲ مفهوم غایت است به دلیل واژه «مادام که» مفهوم دارد. گزینه ۳ مفهوم مخالف عدد است چون عدد موجود در ماده مهم و ملاک است و ما را محدود می کنند. گزینه ۴ وصف است اما مفهوم ندارد و در اصطلاح قید موضوع است چون «که در دامن شما بزرگ شده» وصف غالب است و ربیبه که در دامن شما بزرگ نشده باز هم حرام است و نمی توان گفت حرام نیست. (ربیبه: دختر زن از شوهر سابق)

۴۴- **گزینه ۴ صحیح است.** زیرا در گزینه ۱ مفهوم غایت است. گزینه ۲ مفهوم مخالف وصف است و گزینه ۳ مفهوم موافق از نوع قیاس ساده یا مساوات است و گزینه ۴ در درجه مقدم نباشد، به طریق اولی ارث نمی برد.

۴۵- **گزینه ۴ صحیح است.** زیرا درباره غایت یک مسئله مطرح است که آیا غایت در مغیا داخل است یا نه؟ مبهم است و اگر بگوییم غایت در مغیا داخل است یعنی تدریس در دوره متوسطه لازم است و اگر بگوییم غایت در مغیا داخل نیست، تدریس در متوسطه لازم نیست.

۴۶- **گزینه ۱ صحیح است.** هرگاه دو سبب، منشأ اثر شرعی یا حقوقی باشند، هر سبب به طور مستقل، آن اثر را پدید می آورد. هر چیزی سبب است و اثر آن، مسبب نام دارد، گاهی چند سبب دارای یک مسبب و اثر است، در این صورت، اصل بر عدم تداخل اسباب است و هر سبب، اثر جداگانه ای پدید می آورد، مانند کسی که مرتکب شرب خمر شده، سبب است برای هشتاد تازیانه و قذف نیز سبب است برای هشتاد تازیانه، در این باره اسباب تداخل نمی کنند و هر یک موجب هشتاد تازیانه جداگانه هستند، مگر آنکه به تصریح شرع یا قانون تداخل کنند.

۴۷- **گزینه «۱» صحیح است.** مفهوم مخالف، معنای غیرمستقیم جمله است که از نظر سلب و ایجاب، مخالف متن ماده است، یکی از اقسام مفهوم مخالف، مفهوم مخالف شرط است که ادات شرط یا لفظ شرط در جمله بیاید. عبارت شرطیه، اصولاً مفهوم دارد مگر در صورتی که شرط، نقش موضوع حکم را دارد یا شرط علت انحصاری حکم نباشد. در ماده مطرح شده نیز واژه «شرط وراثت» اشاره صریح به شرطی بودن عبارت دارد و شرط در این ماده، مفهوم شرط دارد.

۴۸- **گزینه ۱ صحیح است.** در فرض جمع چند شرط برای منطوق، دو حالت قابل تصور است: گاهی دو یا چند شرط در عرض هم ذکر شده به گونه ای که هر کدام از آن ها وجود داشته باشد حکم مورد نظر در جواب شرط ثابت خواهد بود. دقیقاً فرض منظور در سوال که در گزینه ۱ متجلی شده همین حالت را بیانگر است. در این حالت وقتی حکم در جزا منتفی می شود که همه شرایط مذکور در عبارت شرطی منتفی شود. و گاهی دو یا چند شرط در عبارت آمده و هر کدام به تنهایی موجب تحقق حکم نمی شود؛ بلکه اجتماع شروط منطوق در تحقق حکم و جزا دخالت و نقش دارد. در این حالت برخلاف حالت قبل، انتفای هر یک از شرایط، موجب انتفای حکم خواهد بود.

۴۹- **گزینه «۳» صحیح است.** مفهوم موافق معنای غیرمستقیم جمله است که از نظر سلب و ایجاب، موافق متن ماده است. وقتی شیء داده شده از متعهد به متعهدله از جنس دیگر اما قیمتاً معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد، نمی توان متعهدله را مجبور به قبول کرد، به طریق اولی اگر کمتر باشد هم نمی توان او را مجبور به قبول نمود. سرایت حکم موجود در ماده به موضوع دیگر که علت حکم در آن به طور قوی تر وجود دارد، قیاس اولویت نام دارد که مصداق مفهوم موافق است. دلالت مطابقی، دلالت لفظ بر کل معنا و جزء منطوق صریح است. قیاس ساده سرایت حکم به موضوع دیگر است که علت حکم را به طور مساوی دارد. مفهوم مخالف دلالت جمله بر معنای غیرمستقیم است که از نظر سلب و ایجاب، مخالف متن ماده باشد که دارای اقسام مختلف شرط، حصر، استثنا، غایت، عدد، وصف و لقب هستند.

۵۰- **گزینه ۲ صحیح است.** دلالت اقتضاء و دلالت تنبیه یا ایما و دلالت اشاره از اقسام دلالت سیاقی بوده و ملازمه بین عبارت و مدلول آن به نحو غیر بیّن است اما در دلالت مفهومی، ملازمه بین عبارت و مفهوم آن، به نحو بیّن به معنی اخص است.

۵۱- **گزینه ۲ صحیح است.** از آنجا که حکم منطوق (یعنی ماده ۱۰۴۸ ق.م) و حکم مفهوم استنباط شده، هر دو یکی است (ممنوع است) لذا مفهوم استنباط شده، مفهوم موافق است. این مفهوم موافق را مفهوم موافق اولویت یا قیاس اولویت یا قیاس اولی نیز می نامند. در

